

الرحمن

الرحيم

الحق

المتكبر



درس ۱۴: ایران در دوران حکومت پهلوی



اهداف و انتظارات از دانش آموزان

- ۱- زمینه های انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی را نام ببرند.
- ۲- محتوای قرارداد ۱۹۱۹ را شرح دهند و طرفین قرارداد را نام ببرند.
- ۳- مبارزان و آزادی خواهان در اواخر حکومت قاجاریه و آغاز حکومت پهلوی را نام ببرند.
- ۴- دلیل و چگونگی اجرای کودتای ۱۲۹۹ توسط انگلستان را توضیح دهند.
- ۵- نحوه انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی را شرح دهند.
- ۶- چگونگی واگذاری رسمی حکومت به پهلوی را توضیح دهند.
- ۷- شیوه حکومت و اقدامات رضا شاه را نام برده و هر کدام را شرح دهند.*
- ۸- سال آغاز جنگ جهانی دوم و طرفین جنگ را نام ببرند.
- ۹- دلایل حمله متفقین به ایران در جریان جنگ جهانی دوم را توضیح دهند.
- ۱۰- نتیجه جنگ جهانی دوم و آثار آن را شرح دهند.
- ۱۱- تأثیرات جنگ جهانی دوم بر ایران را شرح دهند.
- ۱۲- زمینه ایجاد نهضت ملی شدن نفت را توضیح دهند.
- ۱۳- رهبران نهضت ملی شدن نفت را نام ببرند و چگونگی رخداد نهضت را شرح دهند.
- ۱۴- نحوه اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را شرح دهند.



پایان جنگ جهانی اول



انبوهی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران



این مشکلات به علاوه برنامه ها و سیاست های انگلستان در ایران، زمینه را برای

انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی فراهم آورد.



چه عواملی زمینه را برای انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی فراهم کرد؟

انبوهی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، پس از جنگ جهانی اول.



برنامه ها و سیاست های انگلستان در ایران.



زمینه های تغییر حکومت از قاجاریه به پهلوی

قرارداد ۱۹۱۹

در اواخر جنگ جهانی اول، حکومت تزاری روسیه بر اثر وقوع انقلابی عظیم سرنگون شد.



اتحاد جماهیر شوروی

دولت جدید شوروی نیروهایش را از ایران فراخواند و سرگرم مسائل داخلی خود شد.

انگلستان با استفاده از این موقعیت، کوشید نفوذ و سلطه خود را در کشور ما تثبیت کند.

از این رو، با وثوق الدوله، نخست وزیر ایران، قراردادی بست که به قرارداد ۱۹۱۹ معروف شد.

بر اساس این قرارداد اداره امور نظامی و مالی ایران در اختیار کارشناسان (مستشاران) نظامی و مالی انگلستان قرار می گرفت.

مخالفت گسترده مردم و شخصیت های مبارز و آزادی خواه نظیر
آیت الله مدرس و شیخ محمد خیابانی

احمدشاه قاجار نیز از تأیید آن خودداری کرد.

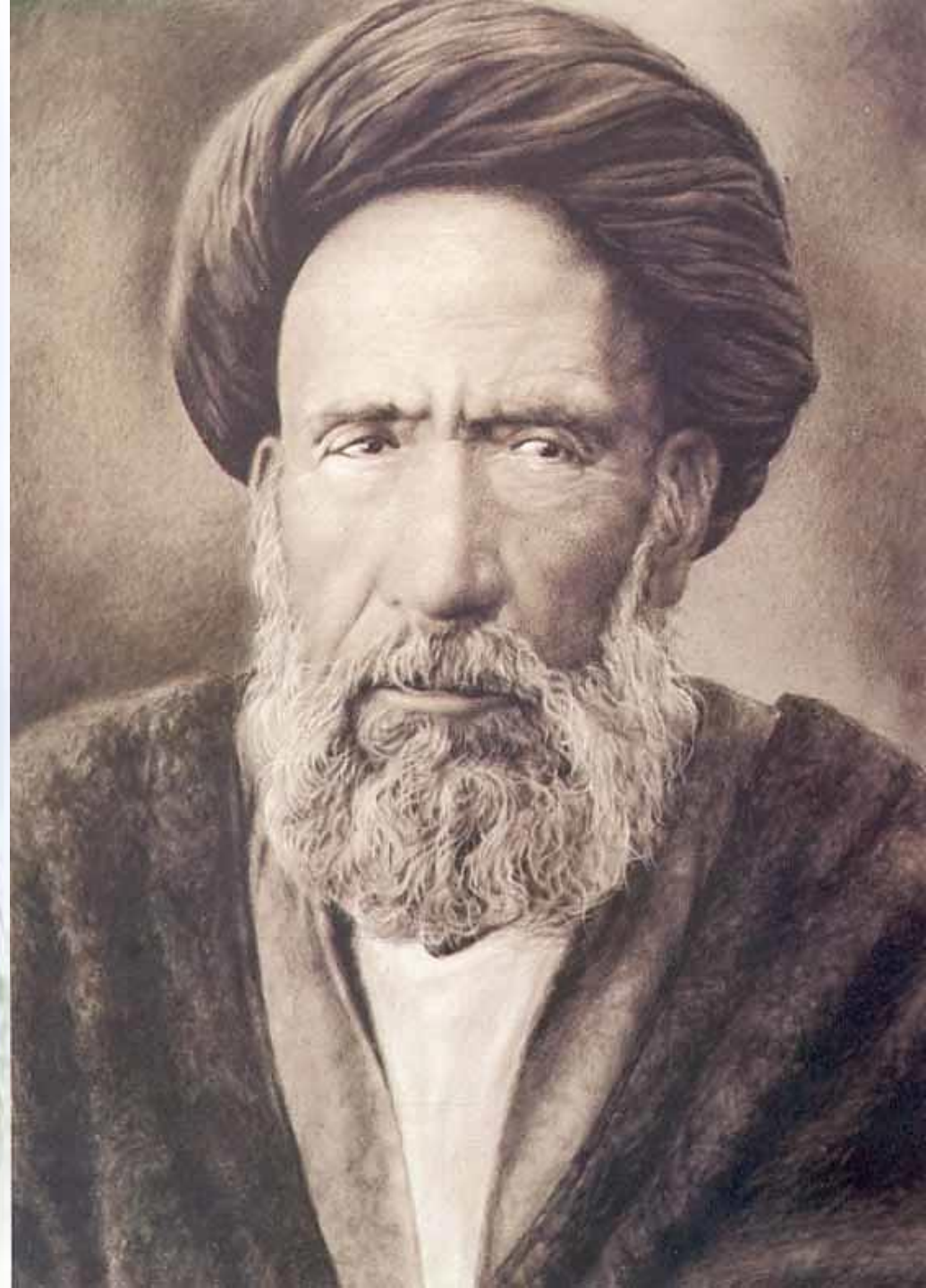




وثوق الدوله در میان جمعی از نمایندگان مجلس



آیت الله سید حسن
مدرس





نفی قرارداد استعماری

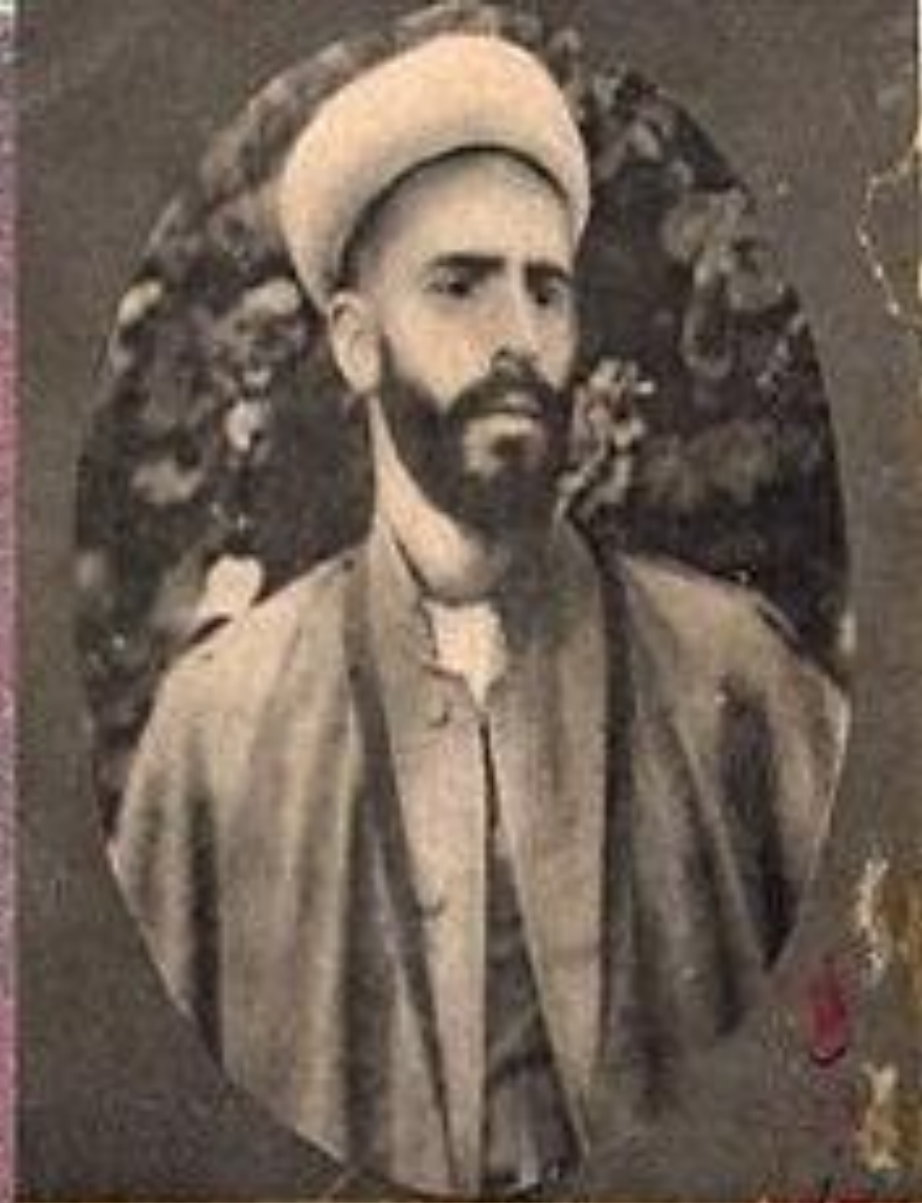
روزی پس از تنظیم قرارداد ۱۹۱۹، وثوق الدوله به دیدن مدرس در منزلش آمد و در حالی که عده ای حضور داشتند به او گفت: «شنیده ام شما با قرارداد تنظیمی بین ما و دولت انگلیس مخالفت کرده اید!» آقا فرمود: «بلی!» وثوق الدوله گفت: «آیا قرارداد را خوانده اید؟» فرمود: «نه!» وثوق الدوله گفت: «پس به چه دلیل مخالفید؟»، آقا فرمود: «قسمتی از قرارداد را برای من خوانده اند، جمله اولش که نوشته بودید دولت انگلیس استقلال ما را به رسمیت شناخته است، آقا! انگلیس کیست که استقلال ما را به رسمیت بشناسد؟ آقای وثوق! چرا شما این قدر ضعیف هستید!» وثوق الدوله گفت: «آقا به ما پول داده اند!» شهید مدرس فرمود: «آقای وثوق الدوله، شما اشتباه کرده اید، ایران را ارزان فروختید!»

آیت الله سید حسن مدرس
و مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹

با تمام مردم ایران دست به دست هم
داده کشور خود را از نابودی نجات
خواهیم داد. خیابانی
آرامگاه مجاهدین

شیخ محمد خیابانی

از مبارزین دوران نهضت مشروطه
و نماینده آذربایجان در دوره دوم مجلس
شورای ملی که بر اثر مخالفت سرسختانه
با قراردادنامه استعماری و لتهای
انگلیس روسیه و عثمانی با ایران
در روز ۲۹ دیحج سال ۱۳۳۸
هجری قمری برابر با ۱۳۹۹ هجری شمسی
توسط مزدوران داخلی به شهادت رسید



شیخ محمد خیابانی رئیس مجاهدین آذربایجان که شهادت

شیخ محمد خیابانی

زمینه های تغییر حکومت از قاجاریه به پهلوی

کودتای ۱۲۹۹

انگلستان پس از ناکامی در اجرای قرارداد ۱۹۱۹، در صدد برآمد که از طریق کودتا اهداف خود را در ایران پیگیری کند.

به این منظور انگلیسی ها یکی از فرماندهان نیروی قزاق به نام رضاخان (رضا میرپنج) را برگزیدند.

در سوم اسفند ۱۲۹۹ نیروهای تحت فرمان رضاخان مراکز مهم پایتخت را اشغال کردند.

احمدشاه مجبور شد

سید ضیاء را به نخست وزیری
رضاخان را به فرماندهی کل قوا

منصوب کند.

رضاخان دارای روحیه استبدادی بود و این ویژگی، به او برای به ثمر نشاندن اهداف انگلیسی ها کمک می کرد.



احمدشاه، رضاخان و
تعدادی از مقام های
حکومتی





رضاخان در میان جمعی از افسران قزاق

انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی

کودتای ۱۲۹۹ توسط انگلیس مقدمه ای برای تغییر حکومت در ایران بود.

رضاخان پس از کودتا با سرسختی برای **گسترش و تثبیت قدرت خود** به تکاپو افتاد.

او و نیروهای نظامی اش با خشونت تمام، در بین مردم **رُعب و وحشت** ایجاد کرد و فضای حکومت نظامی را در جامعه ایجاد کرد. **و نظم و آرامش ظاهری** به وجود آورد.

از این رو طرفدارانش با تبلیغات فراوان او را شایسته تر از احمدشاه قاجار برای حکومت معرفی می کردند.

رضاخان در آن زمان برای جلب نظر مردم، خود را فردی مذهبی و پایبند به احکام و ارزش های دینی نشان می داد.

به همین دلیل در مراسم و مجالس مذهبی حضور می یافت و با علما دیدار و مشورت می کرد.

او با استفاده از موقعیت خود به عنوان وزیر جنگ و نخست وزیر، طرفداران خود را وارد مجلس شورای ملی کرد.

در سال ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی با وجود مخالفت جدی تعدادی از
نمایندگان، مانند آیت الله مدرس، احمدشاه را از قدرت برکنار کرد و حکومت
موقت را به رضاخان سپرد.



سپس مجلس مؤسسان به طور رسمی حکومت را به رضاخان و خانواده او
واگذار کرد.

روایتی از سیاست مذهبی رضاخان قبل از حکومت

چنانچه مشهور است و روایات تاریخی تایید می‌کند، رضاخان برای جلب نظر عمومی، به شدت خود را فردی مذهبی معرفی می‌کرد. این قزاق، نوید یک حاکم اسلامی را می‌داد که می‌خواهد احکام اسلامی را در جامعه اجرا کند. حسن اعظام قدسی، ملقب به اعظام‌الوزاره، که از فعالان مشروطه و نمایندگان مجلس شورای ملی بود، در کتاب خاطراتش شرح جالبی از اقدامات رضاخان را حکایت می‌کند:

سردار سپه روز دهم محرم، (عاشورا)، به همراه دسته قزاق با یک هیأت از صاحب منصبان در جلو و افراد با بیرق ها و کتل با نظم و تشکیلات مخصوص از قزاقخانه حرکت می کرد. این دسته از میدان توپخانه و خیابان ناصریه به بازار می آمد. صاحب منصبان در جلو و جلوی آنها سردار سپه با یقه باز و روی سرش کلاه و غالب آنها به سرشان گل زده بودند و پای برهنه وارد بازار شدند و دسته سینه زن از افراد، چند قدم ایستاده، نوحه خوان می خواند و افراد سینه می زدند.

آیت‌الله حسین بدلا هم همین احوالات را در خاطرات خود نقل کرده است:
«خود رضاخان مانند فرفره به همه جای ستون سر می‌زد و در حالی که در عزای امام حسین
(علیه‌السلام) گل به پیشانی مالیده بود قزاق‌ها را مرتب می‌کرد... دسته قزاق‌ها با شمعی که
افرادشان به نشانه عزای امام حسین (علیه‌السلام) در شام غریبان به دست داشتند، وارد
شدند و دقایقی بعد نشستند. رضاخان مقابل آقا سید کمال‌الدین [یکی از علمای بزرگ
تهران] روی زمین نشست و گفت: این قزاق‌ها همه یاران شما و امام زمان هستند و آمده‌اند
تا سر بسپارند... رضاخان برای جلب افکار عمومی، مجلس روضه مفصلی را در قزاق‌خانه و
در یک جای وسیع برپا می‌کرد.»



سفر رضاخان به کربلا



تاجگذاری رضاخان (کاخ گلستان)
نشسته بر تخت نادری همراه با درفش کاویانی



www.iichs.org



تالار موزه کاخ
گلستان با حضور
میهمانان ایرانی و
خارجی



www.iichs.org

شیوهٔ حکومت و اقدامات رضاشاه

استبداد

رضاشاه از ابتدای حکومت به استبداد و دیکتاتوری روی آورد.

در دوران حکومت او، هیئت وزیران و نمایندگان مجلس شورای ملی اختیار و استقلال چندانی نداشتند و تابع دستورات شاه بودند.

شیوه حکومت و اقدامات رضاشاه

سرکوبی آزادی خواهان

حکومت رضاشاه به احزاب و روزنامه های مستقل اجازه فعالیت نمی داد و با زور و خشونت، فضای خفقان، ترس و سرکوب را بر جامعه حاکم کرد.

در چنین شرایطی مخالفان سرنوشتی جز تبعید، زندان، شکنجه و اعدام نداشتند.

آیت الله سیدحسن مدرس یکی از مخالفان سرسخت شیوه حکومت رضاشاه بود که به دست مأموران این حکومت به شهادت رسید.

همچنین رضاخان به بهانه برقراری امنیت، برخی از قیام های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه، مانند:

نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی

را با خشونت زیاد سرکوب کرد.



میرزا کوچک خان جنگلی به
همراه دو تن از همزمانش

آرامگاه میرزا کوچک خان جنگلی، رشت



رضا شاه دورو



رضا در اول خیابان سپه محوطه‌ی بزرگی را که به نام باغ ملی بود تعمیر و بازسازی نموده، مراسم نظامی را در آن برگزار می‌کرد. در بالای سر در بزرگ آن، مجسمه‌ی نیم تنه‌ای از خود نصب نمود که مانند دو مجسمه از پشت به هم چسبیده بود که هم از بیرون، تمام صورت پیدا بود و هم از درون. روزی برای مراسمی، مدرّس را دعوت کردند. هنگامی که مدرّس به باغ ملی رسید، رضاخان و عده‌ای دیگر از وی استقبال کردند و رضاخان به شرح و توصیف پرداخت. سپس در چادری نشستند. رضاخان از مدرّس پرسید: حضرت آقا! در ورودی را ملاحظه فرمودید؟ مدرّس جواب داد: بله، مجسمه‌ی شما را دیدم. درست مثل صاحبش دورو دارد. رضا شاه از شرم و ناراحتی به خود می‌پیچید و تا پایان مجلس، دیگر سخنی نگفت.

آیت الله مدرس از مخالفان رضاخان



آدم انتخاب کنید

یک روز وقتی که مدرس از مجلس به خانه بازگشت، عده‌ای از مردم به منزل مدرس ریخته با سر و صدای زیاد گفتند: آقا! این چه لایحه‌ای بود که امروز تصویب شد؟ خلاف مصلحت است. مدرس پاسخ داد: اگر بیست رأس اسب و الاغ و یک آدم را در مجلسی جمع کنند و از آن‌ها بپرسند که ناهار چه می‌خورید، جواب چه می‌دهند؟ همه گفتند: جو. مدرس گفت: آن یک نفر هم ناچار است سکوت کند. این وکلایی که شما انتخاب کرده‌اید، شعورشان همین است. بروید آدم انتخاب کنید.



شخصی دائم به مدرس مراجعه و
اصرار می نموده که ایشان سفارش
کنند که فرماندار یکی از
شهرستانها شود این مراجعه و
اصرار آن قدر ادامه داشت که
بالاخره روی تکه کاغذی می
نویسد: وزیر کشور، حامل نامه از
مزاحمین من و همکار شماست
یکی از گردنه ها را هم بایشان
واگذار کنید!

شهادت مدرس

محبس مدرس در خانه رئیس نظمیۀ کاشمر بود. روز بیست و هفت رمضان ۱۳۱۶ دو ساعت به غروب دو نفر از تهران که مأمور قتل بودند وارد محبس مدرس شدند. در آن وقت مرحوم مدرس مشغول به جا آوردن نماز ظهر و عصر بود پس از سلام نماز، آقایان جلادها به او سلام می‌کنند، مرحوم مدرس جواب می‌دهد و از علت حضور آنها در اطاق خود سوال می‌نماید. جواب می‌دهند، ما از تهران به یک مأموریتی آمده‌ایم به تربت حیدری برویم حال خسته هستیم، می‌خواهیم چای بخوریم. مرحوم مدرس می‌فرماید: اگر صبر کنید وقت افطار با هم چای بخوریم البته بهتر است. می‌گویند چون ما مأمور و مسافر هستیم روزه نیستیم.

مرحوم مدرس که نوکر و مساعدی نداشت میهمان‌نوازی می‌کند به دست خود برای جلادهای بی‌رحم
سماور آتش می‌کند چای را در قوری ریخته و سماور و قوری و قوطی قند را مقابل آنها می‌گذارد و باز
مشغول نماز می‌شود. آقایان چای زهرمار می‌کنند و پس از این که مدرس از نماز خود فارغ می‌شود یک
استکان چای که دارای مقداری «استرکنین» بود مقابلش می‌گذارند. می‌گویند من روزه هستم. می‌گویند
باید بخورید. می‌گویند نمی‌خورم. می‌گویند جبراً به حلق شما خواهیم ریخت، می‌گویند حال که این طور
است بدهید بخورم، استرکنین را سرمی‌کشد و مشغول نماز و عبادت می‌شود، این نماز و عبادت تا یک از
شب رفته طول می‌کشد حضرات در را بسته و پشت در منتظر مرگ مرحوم مدرس بوده‌اند. از مرگ
مدرس خبری نمی‌شود ولی آن مرحوم کم‌کم تشنه می‌شود و آب می‌خواهد. فریاد می‌کشد به طوری که
صدایش به خانه همسایه‌ها می‌رسد.

جلادها برای خاموش کردن صدای مدرس وارد اطاق می‌شوند و عمامه‌اش را به گردنش می‌اندازند و با لگد پهلوی راست او را خرد می‌کنند و این عمل را به قدری ادامه می‌دهند تا آن مرحوم جان به جان آفرین تسلیم می‌نماید.

به دستور نظمیّه محل جسد مرحوم مدرس را شسته و می‌برند در آن امامزاده دفن می‌کنند تا مدتی هر کس از نزدیک قبر مدرس عبور می‌کرد او را زندانی می‌کردند عاقبت مردم کاشمر شخصی را که محترم بود و فوت کرده بود آورده و نزدیک قبر مدرس مدفون می‌سازند و بدین وسیله و به نام آن شخص قادر می‌شوند در آن اطاق تاریک برای مدرس فاتحه بخوانند.



آرامگاه شهید مدرس
کاشمر

شیوه حکومت و اقدامات رضاشاه

ایجاد ارتش منظم

به وجود آمدن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه های اساسی انگلیسی ها و اهداف استعماری آنها بود.

تمرکز قدرت سیاسی در کشور

سرکوبی قیام های مردمی

تأمین کننده اهداف نظامی انگلستان

رضاشاه نیروهای سه گانه ارتش را با هدایت انگلیسی ها به وجود آورد.

در سال ۱۳۰۴ ش قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.



ارتش رضاشاه ناکارآمد و فاقد قدرت کافی بود و در تهاجم متفقین در زمان جنگ جهانی دوم، به سرعت شکست خورد.



رضاخان در جمع
افسران ارتش

شیوه حکومت و اقدامات رضاشاه

احداث خط آهن سراسری

هدف: ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال.

در صورت پیشروی روس ها، انگلیسی ها با استفاده از این راه می توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند.

در جنگ جهانی دوم همین راه به مهمترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.



احداث جاده
فيروزكوه و چالوس



حضور رضاشاه در اولین
مراحل احداث راه آهن





مراحل احداث راه آهن



رضاشاه در حال بستن
آخرین پیچ راه آهن

شیوه حکومت و اقدامات رضاشاه

تضعیف هویت اسلامی و تخریب فرهنگ ایرانی

حکومت رضاشاه به بهانه پیشرفت و نوسازی فرهنگی و اجتماعی، کارهایی انجام داد که نتیجه آنها تضعیف ارزش های دینی و رواج فرهنگ غیر ایرانی بود.

مجبور کردن مردم به پوشیدن لباس یکسان و کلاه لبه دار (کلاه پهلوی).

محدودیت هایی برای برگزاری مراسم مذهبی از جمله عزاداری امام حسین (ع).

زمزمه برداشتن (کشف) حجاب

مردم مشهد در اعتراض به این کارها در مسجد گوهرشاد گرد هم آمدند.

نیروهای نظامی مردم را در کنار حرم امام رضا (ع) به گلوله بستند و عده زیادی را شهید و مجروح کردند.



حکومت رضا شاه که بسیار شیفته ظاهر فرهنگ اروپایی بود، اندکی پس از سرکوب قیام گوهرشاد، دستور داد حجاب را با زور و خشونت از سر زنان و دختران ایرانی بردارند.

در دوران حکومت رضاشاه، باستان گرایی با هدف تضعیف و به حاشیه راندن اسلام شدت گرفت.



در این دوران، ارتباط میان علایق دینی و ملی مردم ایران که سبب اقتدار و تقویت هویت ملی است، نادیده گرفته می شد و تلاش گسترده ای برای از بین بردن هویت قومی و ارزشهای برخی از اقوام انجام شد.



پوشیدن لباس یکسان و اجبار
به استفاده از کلاه پهلوی





شاگردان مدرسهٔ
ابتدایی در حال
ورزش با کلاه
پهلوی و گیوه

بر اساس بخشنامه محرمانه وزارت داخله در ۲۸ اسفند ۱۳۱۴، در ایام سوگواری محرم و صفر راه انداختن دسته‌ها ممنوع شد. جو خفقان به سمت و سویی رفت که روضه‌های خانگی، مراسمات حوزه‌های علمیه و از همه عجیب‌تر، ذکر مصایب حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) در مجالس ترحیم هم ممنوع اعلام شد. پیرو فرمان‌های بعدی که پشت سر هم می‌رسیدند، بستن دستمال یا روسری برای شرکت در مجالس روضه جلوگیری به عمل آمد تا اینکه در سال ۱۳۱۶ شمسی، طی اطلاعیه محرمانه وزارت داخله، به طور کلی روضه خوانی ممنوع شد. در این اعلامیه، هدف از ممنوعیت روضه‌خوانی، «خارج کردن مردم از خرافات و آشنا نمودن مردم به تمدن امروز» به عنوان «وظیفه اساسی دولت در مسایل داخلی» دانسته شده بود.»

خشونت و فرهنگ، ص ۱۹



برگزاری مراسم
عزاداری به صورت
مخفیانه در خانه ها



تبعید علمای مبارز
مشهد به تهران
پس از قیام
گوهر شاد

رضاشاه و همفکرانش که اینک حجاب چادر را مترادف با عقب ماندگی و محرومیت زنان از موقعیت های اجتماعی می دانستند، در این سال ها و پس از زمینه سازی در این راه، برای اجرای خواسته خود مصمم تر شدند. روزی رضاشاه به محمود جم که پس از فروغی به نخست وزیری رسیده بود، گفت:

«این چادر و چاقچورها را چطور می شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع فکر مرا به خود مشغول داشته.

از وقتی که به ترکیه رفتم و زن های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود، بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم ماست، درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید آن را از بین برد. من مدتی است به این فکر هستم که زن ایرانی در قفس سیاه دست و پایش بسته است. بین او و مرد، یک دریا فاصله وجود دارد. باید این فاصله را از بین ببریم. مگر زن چی از مرد کمتر دارد. او هم باید پا به پای مرد وارد زندگی شود. سرباز خوب، مهندس خوب و تحصیل کرده خوب باید در دامان زن پرورش پیدا کند، اگر زن امل و نفهم و محبوس باشد، چطور می تواند نسل خوب و شایسته پرورش دهد؟»

(حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۶، چاپ اول، تهران: علمی، ۱۳۶۲، ص ۲۶۱)



رضا پهلوی به همراه
مصطفی کمال پاشا
(آتاتورک) سوار بر
اتومبیل در حال
بازدید از ترکیه



مراسم کشف
حجاب با حضور
جمعی از مقامات
محلی و همسران
آنها در کرمان

روزنامه خراسان اسلامی



روزگار از انقلاب اسلامی

زنان مقامات دولتی
و خوانین محلی در
صف استقبال از
رضا پهلوی در
شیراز پس از
کشف حجاب

آثار جنگ جهانی دوم بر ایران

جنگ جهانی دوم با هجوم ناگهانی آلمان به لهستان آغاز شد. (۱۹۳۹ م. ۱۳۱۸ ش)

متفقین:

انگلستان، فرانسه، شوروی، آمریکا

دولت های محور:

آلمان، ایتالیا، ژاپن

دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما در شهریور ۱۳۲۰، متفقین به بهانه حضور تعدادی از کارشناسان آلمانی، کشور ما را به اشغال خود درآوردند.

هدف اصلی آنها از این اقدام، استفاده از موقعیت و منابع و امکانات ایران به سود خویش بود.

متفکین پس از اشغال ایران، **رضاشاه** را مجبور کردند که از قدرت کناره گیری کند و سپس او را از کشور **تبعید** کردند.



پس از رضاشاه، **پسرش محمدرضا**، شاه ایران شد.

وی نیز همانند پدرش، چون منتخب مردم نبود و دست نشانده بیگانه بود، مطیع برنامه ها و اهداف افرادی بود که بقای خود در حکومت را وابسته به آنها می دانست.

در جنگ جهانی دوم، متفقین با شکست دادن آلمان و بمباران اتمی ژاپن (توسط آمریکا)، پیروز شدند.

کشور ما تا پایان جنگ جهانی دوم در اشغال بیگانگان بود.

جنگ جهانی دوم نیز همچون جنگ جهانی اول، به اقتصاد و جامعه ایران خسارت ها و آسیب های زیادی وارد کرد و موجب عقب ماندگی کشور شد.

مردم ایران طی آن سالها با کمبود و گرانی شدید مواد غذایی، مخصوصاً نان، روبرو بودند و عده زیادی بر اثر گرسنگی و سوء تغذیه جان سپردند.



بیانیه رسمی

در این موقع که متأسفانه نائزۀ
جناک در اروپا مشعل گردیده است
دولت شاهنشاهی ایران بهو جب
این بیانیه تصهیم خود را به اطلاع
عموم میرساند که در این کارزار
بیطرف مانده و بیطرفی خود را محفوظ
خواهد داشت.

نخست وزیر : جهم

بیانیه رسمی بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم



ورود ارتش انگلستان به پالایشگاه
آبادان. شهریور ۱۳۲۰





عبور نیروهای زرهی انگلستان از خیابان های کرمانشاه در جنگ جهانی دوم



نیروهای شوروی
در خیابان های
تبریز

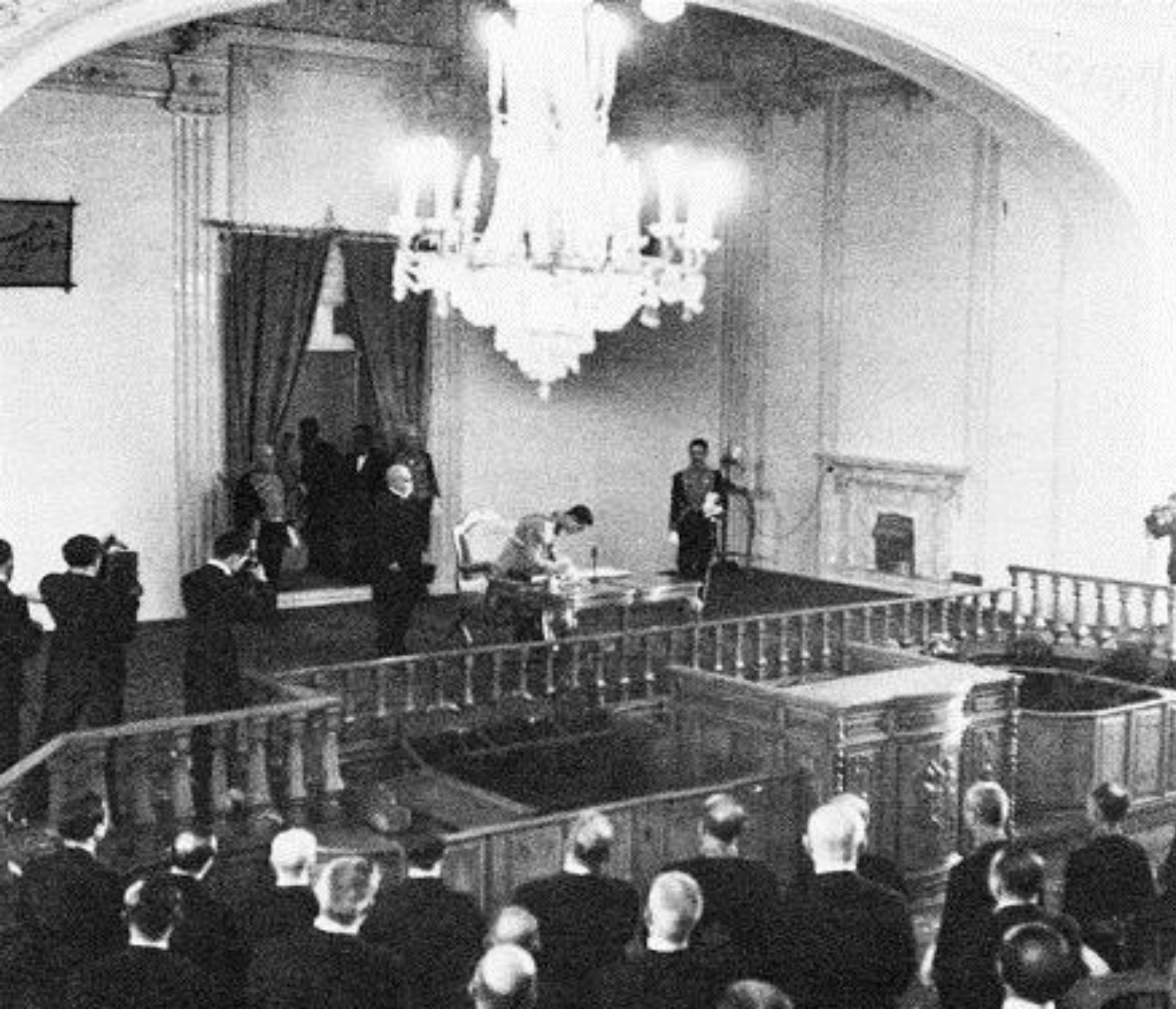


رضاشاه پهلوی به همراه داماد و فرزندان خویش در
جزیره موریس



محمد رضا پهلوی ولیعهد جوان رضاشاه که در شهریور
۱۳۲۰ جانشین پدرش می شود.





محمد رضا پهلوی سوگند پادشاهی
را در مجلس شورای ملی به امضا
می رساند. شهریور ۱۳۲۰

نهضت ملی شدن نفت

محمد رضا شاه در سال های نخست سلطنت خود این امکان را نداشت که همچون پدرش با استبداد و دیکتاتوری حکومت کند.

بنابراین برای نمایندگان مجلس شورای ملی و هیئت وزیران فرصتی به وجود آمد که در اداره امور کشور نقش موثری داشته باشند.

همچنین احزاب سیاسی و مطبوعات دوباره فعالیت خود را آغاز کردند.

البته رقابت های انگلستان، شوروی و آمریکا برای کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی هر چه بیشتر در کشور ما به ثبات و آرامش سیاسی کشور آسیب می رساند.

در چنین شرایطی بود که زمینه برای نهضت ملی شدن نفت به وجود آمد.

این نهضت یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران است.

امتیاز بهره برداری از منابع نفت ایران در دوران مظفرالدین شاه به انگلیسی ها واگذار شد.

رضاشاه امتیاز مذکور را لغو کرد اما خیلی زود طی قرارداد دیگری، دوباره منابع نفت ایران را به انگلستان واگذار کرد.

در سال های پس از جنگ جهانی دوم، مردم ایران خواهان لغو آن قرارداد و ملی شدن صنعت نفت بودند.

آیت الله کاشانی و دکتر محمد مصدق رهبری صنعت ملی شدن نفت را به عهده گرفتند.

مجلس شورای ملی با مشاهده اتحاد و یکدلی مردم، قانون ملی شدن نفت را در اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد.

پس از آن دکتر محمد مصدق نخست وزیر شد تا آن قانون را به اجرا در آورد و دست بیگانگان را از این ثروت ملی کوتاه کند.

دولت انگلیس برای جلوگیری از اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، کارشکنی های مختلفی کرد اما به دلیل وحدت ملت و همدلی رهبران نهضت، ناکام ماند.



آیت الله کاشانی و
دکتر مصدق
رهبان ملی شدن نفت



تظاهرات گروهی از
مردم در خیابانهای
منتهی به مجلس
شورای ملی به
طرفداری از نهضت
ملی شدن صنعت
نفت



تظاهرات مردم
تهران در مقابل
مجلس شورای ملی
در حمایت از دکتر
مصدق نخست وزیر





سخنرانی مصدق در
مقابل مجلس شورای
ملی درباره لزوم ملی
شدن صنعت نفت.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت استبداد و دیکتاتوری

پس از مدتی، میان رهبران و گروه های سیاسی پشتیبان نهضت ملی شدن نفت اختلاف بروز کرد.

در نتیجه اتحاد و همدلی به تفرقه و دشمنی تبدیل شد.

این وضعیت، ملت را دلسرد و دشمنان نهضت را امیدوار کرد.

دولت های انگلستان و آمریکا از این شرایط برای سرنگونی دولت دکتر مصدق از طریق کودتا استفاده کردند.

طبق برنامه ای که دو کشور طراحی کردند، در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ واحدهایی از ارتش به فرماندهی سرلشکر فضل الله زاهدی به خیابانها ریختند و با اشغال مراکز مهم پایتخت، دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند.

پس از موفقیت کودتای ۲۸ مرداد، منابع نفت ایران دوباره در اختیار بیگانگان قرار گرفت و نفوذ و سلطه آمریکا بر کشور ما به تدریج افزایش یافت.

چند ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی با نادیده گرفتن قانون ملی شدن صنعت نفت، امور اکتشاف، استخراج و فروش نفت را طی قراردادی به چندین شرکت نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی واگذار کرد.

این شرکتها متعهد شدند ۵۰ درصد درآمد فروش نفت را به ایران بپردازند.

محمدرضا شاه پس از کودتا، سلطنت خود را مدیون انگلیس و آمریکا می‌دید، به شاه‌هی مستبد و ستمگر تبدیل شد و اصول قانون اساسی را آشکارا نادیده می‌گرفت.

او همچنین با تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به کمک آمریکایی‌ها، به سرکوب شدید مخالفان پرداخت و دوباره فضای ترس و خفقان بر ایران حاکم شد.



تجمع هوادارن شاه و
مخالفان مصدق در مقابل
مجلس شورای ملی. اسفند
۱۳۳۱



اوباش تهران به سرکردگی شعبان
جعفری در مقابل خانه دکتر
مصدق. ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



منزل دکتر مصدق پس از
یورش ارتش تحت امر
زاهدی. ۲۸ مرداد سال
۱۳۳۲



تانک های ارتش پس از
کودتا در خیابان های
تهران. ۲۸ مرداد





ساعات اولیه پس از
انجام کودتا؛ زاهدی در
دفتر شهربانی تلگراف
موفقیت عملیات را
برای شاه می نویسد.
۲۸ مرداد ۱۳۳۲

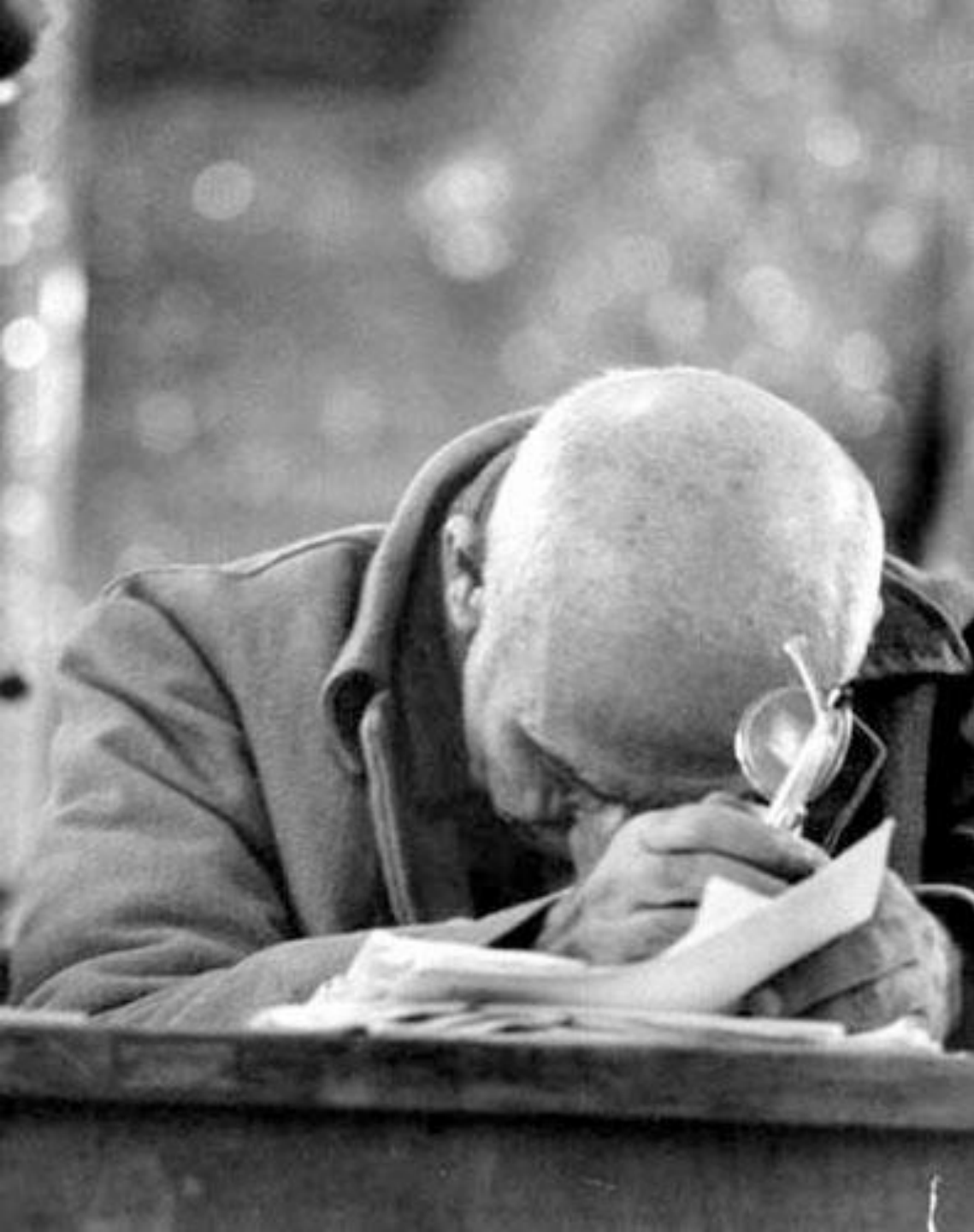


تانک های ارتش در
خیابان های تهران در
انتظار ورود شاه.
اشهریور ۱۳۳۲





استقبال از شاه پس از
بازگشت به ایران.
۱ شهریور ۱۳۳۲



مصدق پس از کودتای ۲۸ مرداد و در دادگاه نظامی؛
او در این دادگاه به سه سال حبس مجرد (انفرادی)
محکوم شد.



مصدق به منزلش در روستای احمدآباد تبعید شد





مصدق در کنار همسرش
ضیاءالسلطنه در دوران
حصر خانگی

از توجه شما متشکرم

